

زمین‌خبرها

ماموران قلابی دستگیر شدند

**توکلی** - با تلاش ماموران انتظامی سه مامور قلابی در بم دستگیر شدند . فرمانده انتظامی شهرستان بم درباره جزئیات این خبر گفت: پس از دریافت خبر هایی در خصوص تردد چند نفر در شهر که خود را مامور پلیس معرفی می کنند، رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. به گزارش خبر نگار ما ، سرهنگ نجفی افزود: ماموران با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق به شناسایی محل تردد ماموران قلابی شدند و پس از هماهنگی با مقام قضایی در عملیات ضربتی سه متهم را در مخفیگاه شان دستگیر کردند.

این مسئول انتظامی خاطر نشان کرد: ماموران پس از بازرسی از مخفیگاه متهمان یک قبضه سلاح جنگی غیر مجاز ، سه خشاب و تعدادی فشنگ ، یک تیغه شمشیر ، بی سیم، دستبند فلزی ، یک شوکر و همچنین تعدادی جلیقه و لباس پلیس نوپو را کشف کردند.

وی بیان کرد: ماموران همچنین در بازرسی از منزل متهمان یک خودروی پژو پارس و دو خودروی پراید و تعدادی پلاک جعلی را که مجرمان برای اهداف شوم خود استفاده می کردند ، توقیف کردند که تحقیقات در زمینه جرایم متهمان ادامه دارد. وی در پایان تاکید کرد: در برخورد با افرادی که خود را مامور نیروی انتظامی یا دیگر سازمان ها و نهادها معرفی می کنند حتماً مدارک شناسایی معتبر درخواست کنند و در صورت مشاهده هر گونه مورد مشکوک موضوع را در اسرع وقت به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.

**سقوط مرگبار نگهبان کارگاه ساختمانی از ارتفاع ۲۰ متری**

مدیر منطقه چهار م عملیات آتش نشانی مشهد از فوت نگهبان جوان یک پروژه ساختمانی در حال احداث در خیابان سرشور به دلیل سقوط از ارتفاع ۲۰ متری خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد، سر آشپار مجید فرهادی با بیان این مطلب افزود: در پی تماس تلفنی به سامانه ۱۲۵ مبنی بر سقوط نگهبان یک پروژه ساختمانی در حال احداث، ستاد فرماندهی بلافاصله هلاک‌رود نجات و پشتیبانی ایستگاه های ۲ و ۳۲ را به محل حادثه در خیابان سرشور ۱۱ اعزام کرد.

مدیر منطقه چهار م عملیات آتش نشانی مشهد با اشاره به حضور آتش نشانان در محل حادثه افزود: نجاتگران آتش نشانی پس از حضور در محل، مشاهده کردند، جوانی حدود ۳۰ ساله به دلیل نامعلومی از طبقه ششم این پروژه به عمق منفی یک این ساختمان در حال احداث سقوط کرده که بر اثر شدت حادثه این فرد در دم فوت شده بود. نیروهای امدادی سپس جسم بی جان این نگهبان را با نظارت پلیس از عمق طبقه منفی یک به سطح زمین منتقل کردند و پس از تحویل پیکر این فرد به عوامل انتظامی حاضر در صحنه، به ماموریت خود پایان دادند و به ایستگاه های خویش مراجعت کردند. شایان ذکر است، علت دقیق بروز این حادثه توسط پلیس در دست بررسی است.

**خرید و فروش فیش حج (فوری)**  
**انقلاب با مجوز های قانونی به همراه تنظیم سند**  
**در دفترخانه اسناد رسمی - ۰۹۱۵۵۱۷۱۸۳۳**  
۰۹۱۵۰۷۸۶

آدم کش های کرونایی همچنان مشغول کارند! با شیوع کرونا در کشور، شایعه‌ها و مطالب کذبی نیز در برخی شبکه‌های اجتماعی و محافل عمومی درباره تأثیر آشامیدن الکل در جلوگیری از ابتلا به بیماری کرونا منتشر شد . تعدادی از افراد سودجو یا همان آدم کش های کرونایی نیز در این میان از این باور اشتباه، سوءاستفاده و اقدام به تولید بیشتر مشروبات دست‌ساز با درصد بیشتر متانول کردند که همین موضوع به مسمومیت و حتی جان باختن شماری از مردم در استان های مختلف منجر شده است. بر اساس آخرین گزارش ها در استان فارس که بیشترین آمار فوتی های این مسمومیت را داراست تا روز گذشته ۹۰ نفر جان باختند. بر اساس آخرین گزارش سخنگوی وزارت بهداشت ۱۲ فروردین ۳۲۰ نفر جان شان را به همین دلیل از دست داده اند و ۶۲ تن نیز ناپینا شده اند که این آمار متاسفانه در حال افزایش است .

■ **مسمومیت ۷۱۸ نفر با الکل صنعتی در فارس**

مدیر روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان فارس از افزایش آمار مسمومیت‌ها با الکل صنعتی به ۷۱۸ نفر خبر داد. همتی به خبرگزاری صدا و سیما، گفت: از ابتدای شیوع کرونا تا صبح دیروز دوشنبه ۷۱۸ نفر به علت مسمومیت با الکل صنعتی به مراکز درمانی استان مراجعه کرده اند که از این تعداد ۶۲۸ نفر بستری هستند. وی افزود: در پی شیوع ویروس کرونا در ایران و شایعه تأثیر مصرف الکل بر مقابله با این بیماری متأسفانه ۹۰ نفر در فارس بر اثر مسمومیت الکل، جان خود را دست دادند. در همین حال معاون در مان دانشگاه علوم پزشکی کر دستان نیز گفت: بر اثر مصرف الکل صنعتی در این استان ۵۱ نفر مسموم شدند، ولی هیچ کسی به دلیل مسمومیت ناشی از مصرف این نوع الکل در مراکز درمانی بستری نیست.

همچنین رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی استان گفت: مورد فوتی بر اثر مسمومیت الکل صنعتی در چهار محال و بختیاری وجود

ندارد و تا کنون هشت نفر در چهار محال و بختیاری به علت سوء مصرف الکل صنعتی دچار مسمومیت شده‌اند.

■ **افزایش مسمومیت با الکل در یزد**

مدیر در مان دانشگاه علوم پزشکی یزد گفت: به دنبال توزیع الکل تقلبی توسط برخی افراد سودجو، تعداد مسمومیت با الکل در یزد به ۶۶ نفر رسید و هشت نفر نیز به همین دلیل جان باختند. دکتر زارع با اشاره به ناپیایی چهار نفر بیان کرد: هم اکنون بیماران مسموم با الکل متانول که در مراکز درمانی مسمومیت استان بستری بودند، بهبودیافتند و ترخیص شدند.

ا سوی دیگر به گزارش خبرگزاری صدا و سیما ی مرکز خوزستان، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اهواز با اشاره به ادامه مراجعات ناشی از پیشی گرفتن مسمومیت الکلی از ابتلا به کرونا، به مراکز درمانی استان خوزستان، گفت: تعداد کسانی که در خوزستان بر اثر مصرف الکل تقلبی مسموم شده اند از تعداد بیماران مبتلا به ویروس کرونا پیشی گرفته است.

حسین کاملی افزود: مجموع مراجعان بر اثر مسمومیت ناشی از مصرف الکل به مراکز درمانی خوزستان از ابتدای بحران کرونا تا ۱۵ فروردین ۸۰ نفر بود که متأسفانه ۷۱ نفر از این افراد جان خود را از دست دادند.



مدیر در مان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار نیز گفت: طی دو هفته گذشته ۱۲ نفر بر اثر مصرف الکل در شهرستان های زیر پوشش این دانشگاه شامل سبزوار ، جوبین ، غفای ، خوشاب و داورزن مسموم شدند.

■ **مسمومیت ۴۸ نفر با الکل در مشهد**

همچنین به گفته رحیمی مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، از اول اسفند پار سال تا ۱۶ فروردین امسال ۴۸ نفر بر اثر مصرف الکل تقلبی و دست ساز دچار مسمومیت و در بیمارستان امام رضا(ع) مشهد بستری شدند.

■ **دستگیری ۷ تن از عوامل توزیع الکل های مرگ آور در مشهد**

در این میان با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی که با دستورات ویژه قضایی آغاز شده است ۷ تن از عوامل توزیع الکل های مرگ آور در مشهد دستگیر و به پنجه عدالت سپرده شدند.

به گزارش خراسان، در پی افزایش قربانیان الکل های تقلبی که از اسفندماه سال گذشته در برخی از شهرهای خراسان رضوی مانند تربت جام و مشهد آغاز شد، تلاش گسترده کارآگاهان پلیس آگاهی با صدور دستورات ویژه ای از سوی مقامات قضایی برای شناسایی عاملان تهیه و توزیع الکل های دست ساز و تقلبی در مرکز استان خراسان

## قاچاقچی ماسک در پوشش نقی معمولی!



همین سریال خریداری کرده و قصد داشته تا به وسیله آن خودنمایی کند. به گفته وی، این فرد به دلیل قاچاق، تمر د

### فروش ۱۳۰ میلیونی عکس تراکتور در سایت مجازی!

شده است. در پیگیری های بعدی مشخص شد فردی از طریق کارت بانکی متصل به این حساب به خرید ۱۰۰ میلیون ریال ارزو ۳۰۰ میلیون ریال سکه اقدام کرده است. سرهنگ دماوندی افزود: در بررسی حساب های بانکی مشخص شد افراد دیگری نیز ۹۰ میلیون تومان در چند مرحله به حساب متهم واریز کردند و در تماس با مال باختگان



بارندگی در مشهد و سقوط درخت

### حوادث

### ۹

در امتداد تاریکی

آرزوی کوچک

دوست دارم خواهر کوچک تر مرا در آغوش بگیرم و با او بازی کنم اما نامادری ا مجاز نمی دهد. وقتی به مهدیه نزدیک می شوم فریادمی زند: «به دخترم دست نزن تو دختر همان جادو گر پیر هستی که زندگی ام را به آتش کشیده است.» معنی حرف هایش را نمی فهمم اما پدرم می گوید او از دست مادر ت ناراحت است. دختر ۱۰ ساله که به همراه پدرش به دایره اجتماعی کلاتری مراجعه کرده بود، در حالی که با زبان کودکانه از رفتار های نامادری اش گلایه می کرد این گونه به شرح داستان غم انگیز زندگی اش پرداخت و به کارشناس اجتماعی کلاتری شفا گفت: «وقتی خیلی کوچک بودم پدر و مادرم همواره با یکدیگر مشاجر ه داشتند. گاهی اوقات که پدرم از سر کار به منزل می آمد، مادر من را داخل اتاق می برد و در را به رویم قفل می کرد. پس از گذشت چند دقیقه صدای مشاجر ه و سپس داد و فریاد پدر و مادر به گوش می رسید. با دستام دستگیره در را فشار می دادم اما نمی توانستم آن را باز کنم. سعی می کردم از شکاف کلیدر، بیرون رانگاه کنم اما چیزی نمی دیدم. وقتی صدای گریه ها و جیغ های مادر مرا می شنیدم، از ترس عرسکم را در آغوش می گرفتم و در گوشه اتاق می گریستم تا این که مادرم چمدانش را بست و خانه را ترک کرد. به دنبالش دویدم تا مرا با خودش ببر د اما او مرا به گوشه ای هل داد و گفت: «برو پیش پدرت. پدرم برای این که آرامم کند مرا بیرون برد و برایم پشمک و بستنی خرید. پس از گذشت مدتی به همراه پدرم به دادگاه رفتم. مادرم هم آن جا بود باز مثل همیشه با یکدیگر مشاجر ه کردند. نمی دانم چگونه در شلوغی های راهروهای دادگاه گم شدم. خیلی ترسیده بودم و گریه می کردم. خانم مهربانی مرا پیش پلیس برد و چند ساعتی در کلاتری منتظر بودم تا پدرم به دنبال آمد. تا او را دیدم در آغوشش پریدم و گریه کردم. پدرم در حالی که مرا در آغوشش می فشرد، گفت: «دخترم گریه نکن، من هیچ وقت تو را رها نمی کنم. فقط می خواستم تا بدید زهنت بماند که مادر ت تو را رها کرد. او به من و تو خیانت کرده است این را فراموش نکن!!! اما من معنی خیانت را نمی فهمیدم... از آن روز دیگر مادرم به خانه نیامد. پس از مدت کوتاهی من و پدرم وسایل مان را جمع کر دیم و به منزل مادر بزرگ رفتیم. مادر بزرگ خیلی مهربان بود. خیلی دلم در داشتم چون هر دو خیلی مهربان بودند. مادر بزرگم برایم غذاهای خوشمزه در ست می کرد و پدر بزرگم گاهی مرا به پار کمی برد تا بازی کنم. هر وقت دلم برای مادرم تنگ می شد، پدرم می گفت: «مادر ت طلاق گرفته و دیگر نمی خواهد تو را ببیند. سعی کن فراموش کنی!!! اولین روز مدرسه را هیچ گاه از یاد نمی برم. پدرم برایم کیف و لوازم تحریر زیبایی خرید. از این که می خواستم به مدرسه بروم خیلی خوشحال بودم. دوست داشتم در اولین روز مدرسه مادرم هم در کنارم باشد. با اصرار از مادر بزرگم خواستم که با مادرم تماس بگیرد. گوشی را گرفتم و وقتی صدای مادرم را شنیدم خیلی خوشحال شدم. از او خواستم فردا به دنبالم بیاید تا با هم به مدرسه برویم و او هم قبول کر د. از خوشحالی دیدار مادرم شب خوابم نبرد، اما صبح روز بعد هر چه منتظر شدم مادرم نیامد. با پدر بزرگ و مادر بزرگم به مدرسه رفتم و آن روز فهمیدم که مادرم دیگر مرا دوست ندارد!!! کلاس دوم ابتدایی بودم. مشق هایم را که نوشتم مادر بزرگم برایم میوه پوست کند و در حالی که به کمک سبب را در دهانم گذاشت گفت: «دخترم دوست داری یک مادر مهربان داشته باشی؟» من هم پاسخ دادم: «من که مادر دارم.» مادر بزرگم گفت: «اگر پدرت از دواج کند، تو صاحب یک مادر خوب و مهربان خواهی شد.» روز بعد پدرم به سفر رفت و پس از چند روز در حالی به خانه بازگشت که زن جوانی همراهی اش می کرد. مادر بزرگ گفت: «این زن همسر پدر توست و باید به او احترام بگذاری!!! با از دواج پدرم آن ها در طبقه بالای منزل مادر بزرگ ساکن شدند. دوست داشتم در کنار پدرم باشم اما مادر بزرگ اجازه نمی داد. فقط گاهی وقت ها پدر به طبقه پایین می آمد تا مرا ببیند. یک بار یواشکی به طبقه بالا می رفتم تا پدرم را ببینم اما نامادری ام دعوایم کرد و گوشرم را کشید و از خانه بیرونم کرد. من هم به تلاقی موهایش را کشیدم و کفش هایش را از پله ها پایین انداختم!!! وقتی پدرم فهمید خیلی عصبانی شده به شدت دعوایم کرد. قبل از این که پدرم از دواج کند هر وقت صدای ماشین اش را می شنیدم به سمت در می دویدم، به استقبالش می رفتم و خودم را در آغوشش می انداختم. او نیز مرا غرق بوسه می کرد اما اکنون وقتی پدرم از سر کار می آید به طبقه بالا می رود. پدرم می گوید: نامادری ات حساس است. اگر ببیند تو را در آغوش گرفته ام می بوسم ناراحت می شود!! دوست داشتم وقتی ظهر از مدرسه به خانه می ایم، با پدرم ناهار بخورم و اتفاقات مدرسه را برای او تعریف کنم. ولی هرگاه پدرم به طبقه پایین می آمد و با من بازی می کرد، ساعتی بعد صدای مشاجر ه نامادری می پدرم به شنیده می شد. او در این مشاجر ه حرف های زشتی به پدر بزرگ و مادر بزرگ می زند. مادر بزرگ هم گوش هایم را می گرفت تا من چیزی نشنوم. مدتی بعد مادر بزرگم گفت: من صاحب یک خواهر کوچک و دوست داشتمی شدم وقتی این حرف را شنیدم خیلی خوشحال شدم همیشه آرزو داشتم که خواهری داشته باشم وقتی برای اولین بار مهدیه را دیدم، نقاشی اش را کشیدم و به نامادری ام نشان دادم اما نقاشی را پاره کرد و گفت مهدیه خواهر تونیست... من خواهر مرا خیلی دوست دارم آرزو دارم روزی بزرگ شود تا بتوانم با او بازی کنم. نمی دانم چرا نامادری ام مرا دوست ندارد...

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

عکس از آتش نشانی